معرفی اسلام شناسان غربی : اولیویه روا

مهدی شوشتری

اولیویه روا پژوهشگر ارشد مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (4) ،متولد سی ام اگوست 1949 در لاروشل فرانسه می باشد. وی به دنبال مطالعه در فلسفه و زبانهای شرقی (فارسی)، موفق به گرفتن مدرک در فلسفه و همین طور علوم سیاسی (دکترا) گردید. وی همچنین در سال 1988، مشاور UNOCA (دفتر هماهنگیهای افغانستان سازمان ملل متحد) بوده است.

روا در زمره معدود کسانی است که مدتی دراز را در میان قبایل و مردم افغانستان سپری کرده و به گونه ای ملموس، با راز و رمز زندگی دهقانان افغانی آشنا شده است. وی تز دکترای خود را درباره "جامعه در افغانسان معاصر" گذراند. روا استاد مدرسه مطالعات عالی در علوم اجتماعی و انستیتوی ملی زبانهای زنده شرقی است (5) او یکی از برجسته ترین کارشناسان مسائل افغانستان است و در زمینه مسائل اسلام سیاسی، خاور میانه و آسیای مرکزی نیز تحقیقاتی دارد. علاوه بر این، روا مقالات بسیاری درباره روابط خارجی ایران نوشته است و این نوشته ها، پایه گذار موج جدیدی از تحقیقات ایرانشناسی از انقلاب شده است. (6)

آثار

از الیویه روا کتب و مقالات زیادی در زمینه مسائل اسلام سیاسی معاصر به چاپ رسیده است که برای نمونه، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. افغانستان: اسلام و نوگرایی سیاسی (1985)

[ [L| Afghanistan: Islam et Morenit politique

این کتاب در سال 1986 تحت عنوان in Afghanistan Islam and Resistance به انگلیسی ترجمه و توسط انتشارات دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده است. کتاب مزبور توسط آقای ابوالحسن سرو قدم مقدم به فارسی برگردان و توسط انتشارات آستان قدس رضوی در سال 1369 به چاپ رسیده است.

2. شکست اسلام سیاسی (1992) [L| chec de l|Islam politique] این کتاب نیز تحت عنوان political Islam The Failure of در سال 1994 به انگلیسی برگردانده شده است.

3. اسلام در آسیای جنوبی; دیدگاه منطقه ای (1996)، [Islam in South Asia: A Regional Perspectivr]

4. [دوران] ترمیدور ایران با همکاری ژان فرانسوا بیارت و فریبا دلخواه، [En Iran Thermidor]

5. "افغانستان، جنگ کشاورزان خرده پا"، logiques R veltes ،شماره 13، 1981.

[Afghanistan: La guerre des paysans]

6. "طلاب و علما در مقاومت افغانستان"، M diterran ens Peuples ،شماره 21، 1982.

[Intellectuels et Ulema dans la R sistance Afghane]

7. "قومیت و سیاست در آسیا مرکزی"، Musulman et de la M diterran e Monde Revue du

ژانویه 1992.، [Ethnies et politique en Asie Central]

نظرات

به اعتقاد اولیویه روا، نهضتهای اسلامی در خاورمیانه از دهه 70 به بعد، با وجود سیستمهای کم و بیش افراطی، بیشترین اعتراضات اجتماعی و سیاسی را هدایت کرده اند. (7) اسلام گرایان گروههای فعالی هستند که به اسلام به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی می نگرند تا یک مذهب. آنها طی چند دهه اخیر و بویژه در دهه 90، چالشهایی را علیه غرب و رژیمهای حاکم در خاورمیانه بوجود آورده اند. (8) آنها در چند مفهوم عمومی مشترک می باشند: اسلام را به عنوان اعتقادات و آیین صرف نمی دانند، بلکه آن را همانند یک ایدئولوژی فراگیر، بر اساس اعتقاداتی که در آن، جامعه، اقتصاد و کل نظام سیاسی باید از نو ساخته شود، فرض می کنند. آنها علمای سنت گرا را که نسبت به نخبگان حاکم رضایت خاطر دارند و راه و رسم غرب گرایی و بی دینی و نظام اجتماعی محافظه کارانه را ترویج می کنند، مورد انتقاد قرار می دهند. اسلام گراها قادر بوده اند به اعتراضات اجتماعی و ضد امپریالیستی که تااین اواخر در انحصار نهضتهای چپ گرا و غیر دینی بوده است، جان تازه ای ببخشند. (9)

روا با رد آنچه برچسب بنیادگرایی می خواند، معتقد است: ظلمت گرایی، قرون وسطایی، روحانی گرایی و ... چه مزخرفاتی که پیرامون بازگشت روحانیت به جهان اسلام ننوشته اند و این یاوه ها از عقده های کهن مغرب زمین در قبال اسلام نشات می گیرد. در حقیقت، پدیده هایی که به آن بر چسب بنیادگرایی زده اند، پدیده هایی هستند بسیار ناهمگون که از مقولات مختلف برخاسته اند و فقط یکی از آنها، یعنی [موج] "اسلام گرایی" پدیده ای است واقعا نوین. (10) جا دارد داوریهایی را که درباره اسلام گرایی شده، مورد تجدید نظر قرار گیرد. ما بر این نکته که اسلامیسم مکتب نوینی است، تاکید می کنیم: این بدان معنی نیست که ما طرفدار اسلامیسم هستیم و یا این که فکر می کنیم این مکتب برای بحران کنونی جوامع مسلمان، پاسخی به همراه دارد، قصد ما این است که تذکر دهیم مجموعه مسائلی که اسلامیسم مطرح می کند، نیز مکانی که این مکتب در آن پا به عرصه وجود نهاده، بی هیچ تردیدی، به عصر ما تعلق دارد. باید از اتهاماتی که از نظر اخلاقی بر این مکتب وارد می سازند و آن را کهنه پرست می شمارند، احتراز کرد. (11)

با وجود نکات مثبت فوق در نظریات اولیویه روا، وی معتقد به شکست پدیده اسلام سیاسی بوده، بر آن است: "تفکر اسلام گرایانه پیرامون نهادهای سیاسی دچار فقر است و جست و جوی اسلام گرایان برای فضیلت، غیر قابل دسترس است. علت این مساله، در آن است که مدل سیاسی خود را تنها در انسان دست یافتنی می دانند و نه در نهادها; بدین خاطر، ایجاد یک جامعه سیاسی اسلام گرایانه تقریبا غیر ممکن است.» (12) به نظر روا، اسلام گرایی به سمت بنیادگرایی جدید حرکت نموده و کم رنگ شده است و دیگر یک عامل ژئواستراتژیک که جهان اسلام را متحد نماید یا توازن قوا را در خاور میانه تغییر دهد، نیست. اسلام گرایان خواستهای استراتژیک خود را با حکومتهای حاکم تطبیق داده اند. از نظر اقتصادی نیز رژیمهای اسلام گرای آینده با همان مشکلاتی که تمام حکومتهای بر مسند قدرت در حال حاضر مواجهند، مواجه خواهند بود. (13)

به اعتقاد روا، آشکار است که سرکوب سیاسی مانع دستیابی جنبشهای اسلام گرا به مشارکت سیاسی است. از این لحاظ، مسؤولیت فقدان دموکراسی به عهده رژیمهای حاکم بر قدرت است (که با حمایت و تصویب وسیع غرب روبرو هستند.) اما جنبشهای اسلام گرا نیز تا حد زیادی قادر نبوده اند از طریق اتحاد با سایر نیروهای دموکراتیک، پایگاه سیاسی خود را گسترش دهند و دلیل آن هم به طور دقیق، در ایدئولوژی سلطه طلبانه (هژمونیست) آنها - حداقل در جهان عرب - نهفته است. به طور نمونه، حزب اصلاح طلب اسلامی در تاجیکستان با دموکراتها و ناسیونالیستهامتحد شد و اکنون عضوی از دولت ائتلافی است. در ترکیه، حزب رفاه توانست از طریق یک اتحاد سیاسی، ریاست دولت را به عهده بگیرد. وضع دشوار و خطرناک احزاب اسلام گرای الجزایر از ناتوانی آنها برای ایجاد اتحادهای سیاسی ناشی می شود; چون در ایدئولوژی آنها زمینه ای برای این کار وجود ندارد. منظور وی از " شکست" این نیست که احزاب اسلام گرا نمی توانند در انتخابات برنده شوند، بلکه تنها این نکته است که نتوانستند دولت مورد نظر خود را تاسیس کنند. (14)

روا معتقد است مسلمانان، در غرب در سیستم اجتماعی و سیاسی کشور میزبان ادغام شده اند، حتی اگر به تغییر چشم انداز سیاسی کمک نمایند. شگفت اینکه، تلاش جهت تاسیس یک هویت خالص مذهبی که در مرتبه والاتری از مسائل ملی و نژادی قرار دارد، به گسستن پیوند بین مسلمانان مهاجر در غرب با کشور اصلی (خود) کمک می نماید. در نتیجه، اسلام گرایی کمکی به از بین بردن شکاف فزاینده بین مسلمانان و کشورهای غربی نکرده است، بلکه به کمرنگ شدن خطوط بین مفاهیمی چون سنتی و مدرن، واقع گرایی و جهان شمولی، غرب و شرق کمک می کند. (15) وی در زمینه روابط "اسلام و غرب" عنوان می دارد: "فقدان قرینه سازی در این دو عبارت (اسلام و غرب) جالب توجه است. غرب تعریف نشده است، در حالی که شرق با مذهب تعریف می شود. " غرب" و "اسلام" یعنی چه؟ اگر اسلام "شرق" است: درباره اعراب مسیحی چه می گویید؟ درباره پنج درصد از جمعیت فرانسه که مسلمان هستند، چه؟

مهاجرت، آموزش و تکنولوژی، نه تنها مردم را به هم نزدیکتر ساخته، بلکه باهم مخلوطشان نیز کرده است. مرزهای میان شرق و غرب نامشخص شده اند. غرب در شرق است و شرق در غرب. من به برخورد تمدنها اعتقادی ندارم. برعکس، فکر می کنم بخاطر همین نامشخص بودن مرزهاست که این همه سخنان و شعارهای شدید خصمانه و متضاد در دو طرف شنیده می شوند و تلاش دارند مرزهای جدید را تعریف کنند و هویتهای جدیدی را بر اساس رؤیاهای کهن و بر اساس یک خود در حال گریز بنا کنند." (16)

پی نوشتها

1. هدف از این بخش معرفی صاحبنظرانی است که در حال حاضر، در زمینه مسائل اسلام معاصر و جهان اسلام تحقیق می کنند.

2. Olivier Roy

3. کارشناس دفتر تحقیقات اسلامی

4. Center National de la recherche scientifique (CNRS

5. الیویه روا، افغانستان،اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1369.

6. الیویه روا، "از اسلام ایدئولوژیک تا ملی گرایی اسلامی در خاور میانه"، ترجمه محمد اسماعیل صادقی، ماهنامه اسلام و غرب، شماره 7 و 8، فروردین 1377، ص 88.

7. همان.

8. Olivier Roy, The Failure of Political Islam, Translatedby Carol Volk, I.B. Tauris Publishers, 1994, p. VII.London:

9. اولیویه روا، "از اسلام ایدئولوژیک تاملی گرایی اسلامی در خاورمیانه"، منبع پیشین، ص 88.

10. اولیویه روا، افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی، منبع پیشین، ص 14.

11. همان، ص 21.

12. "مناطق خاکستری فردا، نشست انتقادی با الیویه روا"، ترجمه حمید احمدی، روزنامه صبح امروز، 24/11/1377، ص 6.

13. Olivier Roy, Op. Cit., p. 194

14. "مناطق خاکستری فردا..." منبع پیشین، ص 6.

15. اولیویه روا، "از اسلام ایدئولوژیک تا ملی گرایی اسلامی در خاور میانه"، منبع پیشین، ص 92.

16. "مناطق خاکستری فردا..."، منبع پیشین، ص 6.